

مرتبط با اندیشه‌های: عدالت - امور
اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی - خانواده -
امنیت

حکمرانی خوب، رهیافتی برای پیشرفت و توسعه در اندیشه و سیره امام علی(ع)

مهرداد حاتمی^۱، سجاد عمرانی^۲

چکیده

مفهوم حکمرانی خوب قدمتی به اندازه تاریخ اندیشه سیاسی دارد. حکومت خوب (حکمرانی خوب) همواره دغدغه مصلحان و اندیشمندان در عرصه عمل و نظر بوده و خواهد بود. این مفهوم همواره در طول حیات بشر باز نمایی و باز تعریف شده است. حکمرانی خوب در سه دهه‌ی اخیر کانون توجه بسیاری از محافل بین‌المللی شد. این مفهوم در سال ۱۹۸۹ توسط بانک جهانی به عنوان یک طرح کامل برای توسعه و کشورداری مطرح شد. از طرفی در متون دینی ما که مشتمل بر تاریخ روایات و تجربه‌ای از یک حکومت اسلامی گزارش شده تحت رهبری امام علی(ع) در قرن هفتم میلادی شکل گرفته، بر آن شدیم که این شاخص‌ها در آموزه‌ها و آیین حکومت داری امام علی(ع) را با شاخص‌های حکمرانی خوب (آزادی شهروندان، پاسخگویی دولت، حاکمیت قانون، کارآمدی و اثر بخشی، رضایت عمومی، کنترل فساد) بررسی کنیم. به نظر می‌رسد با توجه به گذشت ۱۳ قرن از حکومت داری امام علی(ع)، این آموزه‌ها همچنان با شاخص‌های مطرح شده در حکمرانی خوب در قرن بیستم روایی و پایایی دارد. این پژوهش به روش تحلیلی - تطبیقی و اسنادی سازمان یافته است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، حکومت اسلامی، آموزه‌های امام علی(ع)، شاخص‌های حکمرانی خوب، پیشرفت.

۱- مقدمه

اهمیت جدی نهادهای عمومی و حکمرانی خوب برای رسیدن به توسعه و کاهش فقر، در دهه ۹۰ میلادی به اوج خود رسید. دقیقاً همان طور که در دهه‌ی ۸۰ تشخیص داده شد پروژه‌های سرمایه گذاری در محیط سیاسی اختلال زا نتایج رضایت بخشی حاصل نمی‌کنند، در دهه‌ی ۹۰ نیز آشکار شد که نه سیاست‌های خوب و نه سرمایه گذاری خوب در محیطی با نهادهای بد و حکمرانی ضعیف ظاهر نگشته و پایدار نیستند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۴۳۱). حکمرانی

^۱ - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران mehرداد.h۶۳۹۳@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

خوب از جمله مباحث تازه‌ایست که در دو دهه اخیر توجه محافل علمی بین‌المللی جهان را به خود معطوف نموده است. محققان حکمرانی خوب را با رویکردها، لیبرالیستی و سوسیالیستی، ابعاد سیاسی، اقتصادی و انسانی و اهداف توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی گوناگون تعریف نموده‌اند (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۳). در دوران پس از جنگ سرد، بحث دموکراتیزاسیون با بحث امنیت و توسعه همراه شد. در یک فرآیند عاری از تضاد، مسئله و عقب نشینی، "حکمرانی خوب"^۱ به تصویب رسید و به عنوان چارچوبی به اقتباس از سازمان ملل متحد سازماندهی و عملیاتی شد (zanotti, ۲۰۰۵: ۴۶۲). براساس تعریف بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ حکمرانی خوب شامل تاکید بر گثرت کرایه سیاسی، پاسخگویی و حاکمیت قانون تعریف می‌شود (kiely, ۱۹۹۸: ۶۸).

مدیریت علم و هنر و برنامه ریزی، هماهنگ کردن، رهبری و نظارت بر فعالیت‌های گوناگون به منظور دستیابی به هدفی مشخص است. این علم و هنر در سیره نبوی و ائمه هدی (ع) در متعالی‌ترین شکلش تجلی یافته که مدیریت الهی و بر مبنای شناخت حقیقت وجود انسان است. این مدیریت، مدیریتی است که با حکومت بر قلبها محقق می‌شود و هدف آن شکوفا نمودن تمامی استعدادهای انسان در جهت رشد و کمال و وارد کردن او در نور به اذن خداوند است (مشتاقی، ۱۳۸۵: ۲۳). یکی از الگوهای بسیار مناسب که می‌تواند در جهت اثبات این ادعا، توجه شود سیره امام علی(ع) در دوران زمامداری است که از باب سنت و مدیریت معقول، می‌تواند ملاحظه شود. حضرت علی (ع) در سیره سیاسی خود به خوبی بیان نموده‌اند که یکی از عوامل فروپاشی نظام سیاسی، ناکارآمدی نظام سیاسی و زوال عدل است که به طور کلی در سایه مدیریت ناصالح و ناسالم، حاصل می‌گردد. از نظر ملا علی (ع) وجود فساد مالی، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها باعث می‌شود تا مردم که همه دلخوشی و امید خود را معطوف به اجرای عدالت در جامعه و تامین زندگی راحت کرده‌اند، با دیدن این مناظر به تدریج ناامید شده و از نظام سیاسی خود ادبار نمایند (امامزاده و صفری، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۲).

۲- پیشینه پژوهش

- اصغر مبارک و زیبا آذر پیوند در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی»، آنها ضمن مقایسه نظامهای اقتصادی اسلامی و لیبرال، هدف آنها در جهت رشد و توسعه را تبیین کرده‌اند. مفروض آنها تاثیر و رابطه معنا دار میان محیط نهادی و رشد اقتصادی است. عامل نهادی چون نهادهای حاکمیتی (حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) است که به صورت جداگانه در کشورهای اسلامی (ایران، ترکیه، مصر و اندونزی) بررسی شده است. نتیجه کاهش اثر گذاری نهادها در این کشورها به نسبت سایر کشورهای جهان است (۱۳۸۸).

-سید احمد امام زاده و فاطمه صفری در مقاله‌ای تحت این عنوان «امام علی و کارگزاران» به ضرورت و دوام نظام سیاسی برای پیش‌برد اهداف حکومت اسلامی و به سعادت رساندن بشر اشاره می‌کند. آنها ضرورت دوام نظام اسلامی را به حضور کارگزاران شایسته می‌داند که امام(ع) در طول زمامداری خود همواره بر انتخاب کارگزاران به پایگاه اجتماعی، اقتصادی، دینی، اخلاقی همچنین به صلاحیت‌های علمی- تخصصی و دینی و اخلاقی توجه ویژه دارد (۱۳۸۸).

-زینب مشتاقی در مقاله‌ای تحت عنوان « خصوصیات یک مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام» ویژگی‌های مدیران لایق را برمی‌شمارد: ۱- داشتن ایمان و ارتباط با خداوند ۲- داشتن مهر و عطف نسبت به مردم ۳- داشتن سعه صدر ۴-

^۱ - good governance



داشتن صبر و شکیبایی در برخورد با مسائل ۵- داشتن لیاقت در انجام کارها ۶- ریاست طلب و خودکامه نبودن ۷- عدم فساد ۸- شور و مشورت با افراد صالح و شایسته (۱۳۸۵).

- موسی دانش در مقاله‌ای «سیاست و حکومت در نهج‌البلاغه» ویژگی‌های سیاست و حکومت از نظر اسلام و اندیشه‌های امام علی(ع) را بررسی می‌کند. او در تعریف سیاست از دیدگاه امام علی(ع) آن را تربیت درست و اداره جامعه براساس اصول مکتبی و انسانی می‌داند. و سیاست را به انواع ۱- سیاست اجتماعی (رعایت تقوا، رعایت عدالت اجتماعی) ۲- سیاست اقتصادی (توسعه اقتصادی، رشد فرهنگی همراه با توسعه اقتصادی) ۳- سیاست قضایی (ارج نهاد به قضاوت، دقت در گزینش قضات) ۴- سیاست نظامی تقسیم بندی می‌کند. او در ادامه به ضرورت حکومت از نظر عقلی و شرعی و بر ارزش حکومت در نهج‌البلاغه و اموری همچون مسئولیت حاکمان، سلسله مراتب حاکمان و رابطه حکومت با مردم می‌پردازد (۱۳۷۹).

۳- حکمرانی خوب

اصطلاح حکمرانی خوب نمادی از تغییر پارادایم در نقش دولت است. بنا بر گزارش بانک جهانی حکومت، شیوه‌ای است که در آن قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه اعمال می‌شود. بر این اساس، ابعاد کلیدی شناسایی شده حکومت توسط بانک جهانی به شرح زیر می‌باشد: - مدیریت بخش عمومی - پاسخگویی - چارچوب قانونی برای توسعه - شفافیت (۶: ۲۰۰۳، abdollatif). حکمرانی خوب در میان سایر چیزهای دیگر مثل، مشارکت، شفافیت و یا پاسخگویی، موثر و منصفانه و ترویج حاکمیت قانون است. این تضمین می‌کند که اولویتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اجماع گسترده در جامعه که براساس آن صدای فقیرترین و آسیب پذیرترین ها در تصمیم گیری بیش از تخصیص منابع شنیده می‌شود. برنامه توسعه سازمان ملل (undp) در گزارش خود، حکومت برای توسعه پایدار، ویژگی‌های زیر به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب اذعان می‌کند. ۱- مشارکت ۲- حاکمیت قانون ۳- شفافیت ۴- پاسخگویی ۵- رضایت عمومی ۶- برابری ۷- اثر بخشی و بهره‌وری ۸- دید استراتژیک (۱۴: ۲۰۰۴، pillay). پس از پایان جنگ جهانی دوم، رویکرد دولت بزرگ به منزله رویکرد مسلط، با هدف سیاستگذاری توسعه در اکثر کشورها تا دهه، دهه‌های پایانی ۱۹۷۰، یکه تازی می‌کرد. این سیاست از یک طرف همزمان با باسازی خرابی‌های جنگ در اروپا بود از طرف دیگر تجربه بحران بزرگ ۱۹۲۹ را پشت سر داشت. کشورهای در حال توسعه نیز با الگو برداری از کشورهای توسعه یافته و با همان استدلالهای موجود و ناتوانی و ضعف بخش خصوصی در بسیج سرمایه، رویکرد دولت بزرگ را براساس راهنمایی مشاوران و اقتصاددانان کینزی در غرب به اجرا درآمد. این به عنوان اولین دوره سیاستگذاری توسعه اقتصادی تا ۱۹۷۰ ادامه داشت. اما عدم کارایی و انعطاف ناپذیری بنگاههای دولتی و بازده نزولی رویکرد دولت بزرگ از میانه دهه ۱۹۷۰ رو به افول گذاشت. وجود همزمان تورم و رکود^۱ در اقتصادهای غربی خاصه امریکا، مجالی برای طرفداران رویکرد دولت کوچک بود. این جریان به عنوان جریان غالب در ۱۹۸۰ خصوصی‌سازی را کمال مطلوب برای توسعه می‌دانست. اوایل دهه ۱۹۹۰، با فروپاشی شوروی این جریان در شرق اروپا و سایر کشورهای آفریقایی، امریکای لاتین و آسیای جنوب شرق پیاده شد. (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳؛ ۱۱). دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار- که با کمک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سیاستهای توسعه‌ای را به اکثر کشور کشورهای جهان تجویز می‌کردند- تحت عنوان سیاستهای اجماع واشنگتنی^۲ و یا سیاستهای تعدیل ساختاری نامیده شد. اما حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰، همچون بحران شرق آسیا، تجربه کشورهای

^۱ - stagflation

^۲ -washington consensus

اروپای شرقی و شوروی سابق طیف وسیعی از کارشناسان بانک جهانی را به انتقاد از سیاستهای تعدیل انداخت. جوزف استیگلیتز سیاست اجماع واشنگتنی^۱ را نقد کرد و ضرورت اتخاذ اجماع پسا واشنگتنی را به عنوان راهبرد جدید سیاستگذاری مطرح ساخت (میدری، ۱۳۸۱: ۲). مقبولیت نسبی این انتقادات و پذیرش دیدگاههای رقیب سیاستهای تعدیل ساختاری، نهادهای بین‌المللی پولی و مالی مانند بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول را واداشت تا سیاست «حکمرانی خوب» را به عنوان راه‌حل معمای توسعه مطرح کنند^۲. در این سیاست جدید مسئله ابعاد دولت (کوچک سازی)، نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داده است (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳: ۱۲).

۴- اسلام و نظریه حکمرانی خوب

هدف از این پژوهش بررسی و مقایسه شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و سیره امام علی (ع) است. آیا شاخص‌های حکمرانی خوب با آموزه‌های اسلامی انطباق دارد یا خیر؟

۴-۱- رابطه میان حکومت و مردم

در نظریه حکمرانی خوب بر رابطه صحیح میان شهروندان و حکومت‌کنندگان تعریف و تاکید می‌شود. حکمرانی خوب به نوع رابطه مردم و حکومت بستگی دارد. در اندیشه امام علی (ع) تاکید زیادی در این جنبه از حکمرانی، یعنی چگونگی رابطه مردم و حکومت به چشم می‌خورد. شهید مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه این موضوع را چنین بیان می‌کند. «یکی از چیزهایی که رضایت عموم به آن بستگی دارد، این است که حکومت با چه دیدی به توده مردم و خودش نگاه می‌کند؟ با این چشم که، آنها برده و مملوک و خود صاحب اختیار و مالک است؟ و یا با این چشم که آنها صاحب حق و او، خود وکیل و امین و نماینده است؟ در صورت اول، هر خدمتی که انجام دهد از نوع تیمار است که مالک یک حیوان بر حیوان خویش انجام می‌دهد. و در صورت دوم، از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است. از این دو، - حکمران و مردم - اگر بناست یکی بر دیگری باشد این حکمران است که بر توده محکوم است نه توده محکوم بر حکمران (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۴). بر همین اساس امام (ع) در دستورالعمل حکومتی که به مالک اشتر داده است، از او می‌خواهد تا رابطه خود را با مردم این‌گونه سامان دهد: قلب خود را از مهربانی و دوستی و لطف نسبت به مردم آکنده ساز و همچون حیوان درنده‌ای نباش که برای خوردن آنان چنگ و دندان تیز کرده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۲). یا امام (ع) به فرماندار خود توصیه می‌کند که رضایت عمومی چیزی نیست که حکومت حق نادیده گرفتن آن را داشته باشد و بتواند بر سر آن معامله کند: محبوب‌ترین کارها نزد تو کارهایی باشد که رضایت و خشنودی عموم مردم را به همراه داشته باشد اگر عموم مردم ناراضی باشند، رضایت عده‌ای قلیل (که اطرافیان و دوستان تو هستند و آنگاه راضی خواهند شد، که بیش از حق خود، دریافت کنند)، فایده‌ای به حال تو نخواهد داشت، اما اگر عموم مردم راضی باشند، ناراضیتی آن گروه اندک قابل چشم‌پوشی خواهد بود (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۴).

۴-۲- برخورداری حکومت از پشتوانه مردمی

ادبیات اندیشه سیاسی در اسلام درباره نقش مردم در مشروعیت و اقتدار سیاسی به دو طیف تقسیم می‌شوند: ۱- عدم ابتنای مشروعیت دولت بر رای مردم (نظریه مشروعیت الهی) ۲- ابتنای مشروعیت دولت بر رای مردم (نظریه مشروعیت

^۱ -post Washington consensus

^۲ -good governance



مردمی). در تاریخ اسلام چه در زمان پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) توأمان دو مشروعیت را داشته‌اند. امام علی (ع) می‌فرماید پیامبر به من فرمودند؛ ای فرزند ابیطالب، زمامداری این امت با توست پس اگر تو را با عافیت به امارت نشانند و با طیب خاطر به حکومت تو تن دادند، حکومتشان را در دست گیر (میدری، ۱۳۸۳؛ ۴۹۱). یا تاکید امام در زمان بیعت با مردم در مسجد به صورت آشکار و با تاکید بر رضایت عمومی. امام علی (ع) می‌فرماید؛ در مسجد بیعت خواهیم کرد و نباید بیعت با من پنهانی و بدون رضایت و خواست مسلمانان صورت گیرد (تاریخ طبری به نقل از منتظری؛ ۵۰۴). از نکات جالبی از سیره حکومتی امام علی (ع) نقل شده که هنگامی تعیین حاکمی از سوی خود بر یکی از شهرها به آن حاکم می‌فرمود: هنگامی که به آن شهر رسیدی مردم را در میدان شهر جمع کن و نامه من را بر آنان بخوان و سپس از مردم بخواه که راجع به ولایت تو رای بدهند. اگر احیانا با تو مخالف بودند برگرد تا حاکم دیگری را بر آنان تعیین کنم (شیرازی، ۱۴۰۴؛ ۵۱). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مبانی مبنای نظری و تجربه عملی حکومت اسلامی در صدر اسلام موید این نکته است که مردم که مردم در تشکیل حکومت نقش تعیین کننده دارند. طبعاً هرگاه حکومتی در اصل تشکیل خود، به رای مردم وابسته باشد در بقا و ادامه حاکمیتش موثر است.

۳-۴- حاکمیت قانون

حکمرانی خوب، نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در برگزیده‌ی حمایت کامل از حقوق افراد (به ویژه اقلیت-ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا شود. لازم به ذکر است که اجرای عادلانه‌ی قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی فساد ناپذیر برای این نظام است (صبغ کرمانی و باسقا، ۱۳۸۷؛ ۴). حاکمیت قانون در جامعه‌ی ظهور پیدا می‌کند که در آن مجموعه‌ای شناخته شده از حقوق و حدود برای تمام آحاد مردم جامعه اعم از دولتمردان و مردم عادی در جامعه به رسمیت شناخته شده باشد. در اندیشه سیاسی اسلامی حاکمیت قانون و حقوق متقابل از قدمتی به اندازه عمر مفهوم حکومت اسلامی دارد و مفاهیمی همچون «حقوق مردم»، «حدود حکومت» و حقوق متقابل حاکم و مردم با آن همراه بوده است.

امام (ع) می‌فرماید: مردم به‌درستی که مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. حقی که شما بر من دارید اینست که خیرخواه شما باشم در راه افزون ساختن اموال (اسباب رفاه و آسایش) شما همت گمارم و در امر آموزش شما بکوشم تا از ورطه جهل رهایی یابید و به شما آداب (زندگی فردی و سلوک اجتماعی) بیاموزم تا دانا و فرهیخته گردید و اما حق من بر شما اینست که بر بیعتی که با من بسته‌اید وفادار بمانید، در حضور من و در پشت سر، خیرخواه من باشد و نصیحتم کنید، آنگاه که شما را بخوانم، اجابت کنید و چون دستوری به شما دهم، اطاعت نمایید (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴؛ ۶۰). امام در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه به صراحت از حقوق متقابل سخن می‌گویند و یک سویه بودن حق را نفی می‌کند: خداوند سبحان برای من بر شما به جهت زمامداری و حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است ... حق به نفع هیچ کس به جریان نمی‌افتد مگر اینکه بر علیه او نیز جاری شود. و بر علیه هیچ کس جاری نمی‌شود مگر اینکه به نفع او نیز جریان یابد (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶؛ ۳۱۴). همچنین امام (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس فرماندار خود در آذربایجان نوشته‌اند: همانا مقام فرمانداری چونان طمع‌های برای تو نیست بلکه امانتی است که آن را برعهده گرفته‌ای. تو موظفی که از مافوق خود اطاعت کنی. حق نداری نسبت به مردم خودسرانه عمل کنی و بدون پشتوانه و مجوز به کاری اقدام نمایی (یعنی نباید کاری کاری کنی که حق انجام آن را نداری). (نهج‌البلاغه، نامه ۵؛ ۳۴۴).

۴-۴- شفافیت، پاسخگویی، مشورت طلبی

پاسخ‌گویی نهادهای سازمان‌ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضای خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود (صباغ کرمانی و باسحا، ۱۳۸۷: ۵). امام علی (ع) موکداً از مردم می‌خواست که از بیان نقطه نظرهای خود به وی کوتاهی نکنند. گمان مبرید که اگر سخن حقی به من بگوئید، بر من گران خواهد آمد و تحمل نخواهم کرد.... پس از این که آنچه را حق می‌دانید با من در میان بگذارید یا منصفانه مشورت‌م دهید، خودداری نکنید؛ که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم (نهج- البلاغه، خطبه ۲۱۶: ۳۱۶). امام در نامه‌ای به مالک اشتر برای فرمانداری مصر در مورد استفاده از عقل جمعی از طریق گفتگو با اصحاب نظر و نیز درباره انتخاب وزیران و همکاران می‌فرماید: با دانشمندان و اصحاب فکر درباره راههای انجام بهتر امور حوزه حکمرانی خود فراوان بحث و گفتگو کن. از میان آنان، افرادی را که در گفتن سخنان حق - هرچند تلخ و ناگوار - به تو از همه صریح‌تر هستند، برگزین (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۶). اگر مردم گمان کردند که تو از مسیر حق خارج شدی و ظلمی به آنها روا داشته‌ای، آشکارا با آنان سخن بگو، دلایل درستکاری خود را به ایشان عرضه کن و با آشکار شدن در میان مردم، آنان را از بدگمانی برهان (همان: ۴۱۶). امام (ع) می‌فرماید: حق شما بر من اینست که جز اسرار جنگی، هیچ سری را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می‌آید، جز حکم الهی، کاری بدون مشورت شما انجام ندهم (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰: ۴۰۰). یا در نامه ۱۸ می‌فرماید: ابوالعباس خدایت بیامرز. در آن چه بر زبان و دست تو جاری می‌گردد، خوب باشد یا بد، کار به مدارا کن که من و تو در مسئولیت کاری که انجام می‌دهی شریکیم (نهج‌البلاغه، نامه ۱۸: ۳۵۴).

۴-۵ - کارایی و اثر بخشی

کارایی و اثر بخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا به وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاهها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند (مبارک و آذر پیوند، ۱۳۸۸: ۱۹۱). همانطور که گفتیم یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب کارایی و اثر بخشی دولت در جهت تامین نیازهای عمومی جامعه و استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی است. در بحث کارایی و اثر بخشی دو بحث مطرح می‌شود: یکی فرآیندها و نهادهای مورد نیاز جامعه و دیگری سازماندهی آن برای تامین نیازهای جامعه. امام علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: مالیات آن دیار را دریافت کن، با دشمنان (داخلی و خارجی) که امنیت مردم را به مخاطره می‌اندازند مقابله کن، در اصلاح امور مردم بکوش و آباد سازی شهرها را سر لوحه کار خویش قرار ده (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۲). همچنین می‌فرماید: بیش از آنکه به فکر گرفتن مالیات مردم باشی در اندیشه آبادانی باش چرا که در وصول مالیات توفیقی حاصل نخواهد شد مگر پس از آن که رونق و آبادانی فراگیر شده باشد (همان: ۴۱۲). یا در نامه ۵۳ می‌فرماید: ویرانی زمین به خاطر تنگدستی اهل آن است، و تنگدستی مردم بواسطه این است که حکمرانان به دلیل اینکه به تداوم حکومت خود اطمینان ندارند، همه همتشان را صرف جمع‌آوری و گرفتن اموال مردم می‌کنند. و می‌فرماید امور یتیمان، خردسالان و پیران سالخورده را که دستشان از همه جا کوتاه است پیوسته رسیدگی کن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۱۲ - ۴۱۴).

فساد؛ استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی. در این تعریف هر اندازه ویژگی های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه ب بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسبتر است (کميجانی و سلاطين، ۱۳۷۸: ۵). نشانه حکمرانی خوب عدم سو استفاده از قدرت عمومی و نبود فساد است. صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۲)، فساد را چنین تعریف کرده است: «فساد، تعریف محدودتر حکمرانی بد است یعنی سو استفاده از قدرت یا اعتماد عمومی در جهت منافع خصوصی. محیط با حکمرانی بد، انگیزه‌ها و فرصت‌های بیشتری برای فساد فراهم می‌سازد» (میدری، ۱۳۸۳: ۵۰۶). در ادبیات دینی واژه‌های وجود دارد به نام «استثثار». استثثار به معنی به خود اختصاص دادن چیزی است که دیگران نیز در آن حقوقی دارند. امام علی (ع) به این نکته توجه داشته است که وقتی منابع جامعه در اختیار کارگزاران و دولتمردان قرار می‌گیرد، ای خطر وجود دارد که همواره برای استفاده شخصی و گروهی و غیر مشروع از منابع عمومی وسوسه شوند. در نامه ۵۳ می‌فرمایند: نباید در آنچه متعلق به عموم مردم است برای خود حق ویژه‌ای قائل باشی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۲۰). امام به یکی از ریشه‌های مهم فساد در میان ماموران دولت اشاره می‌کند و راهکار پیشگیری از آن را به وی تعلیم می‌دهد: به کارمندان خود برس و رزق روزی آنان را فراوان کن چرا که آنان با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بهتر خواهند کوشید و از دستبرد زدن به اموالی که در اختیار آنهاست خودداری خواهند نمود. در این صورت است که اگر از دستور تو سرپیچی نموده و در امانت خیانت کنند تو پیشاپیش حجت را بر آنان تمام کرده‌ای و می‌توانی مجازاتشان کنی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۱۰). یا در جایی دیگر می‌فرمایند: مهم‌ترین دلیل برای شادمانی حاکمان باید این باشد که عدالت را در جامعه فراگیرد و مردم را به خود علاقه مند ببیند. دوستی و محبت مردم نسبت به دولتمردان، تنها زمانی آشکار می‌شود که آنها در درون خود احساس آرامش کنند (یعنی از حسن نیت و حسن عملکرد دولتمردان مطمئن باشند) همان، نامه ۵۳: ۴۰۸).

۴-۷ - عدالت

عدالت محوری‌ترین اصل در اندیشه حکومت امام (ع) است. از دیدگاه امام (ع) عدالت عامل پایایی ملت، ثبات دولت‌ها و زمینه ساز آبادانی شهرهاست. از آنجایی که دستگاه قضایی در گسترش عدالت در جامعه نقش محوری دارد امام به این مقوله توجه زیادی مبذول دانسته است و لازمه کارآمدی دستگاه قضایی را در جهت عدالت شایسته سالاری کارگزاران می‌داند. کسی که برای تصدی منسب قضا برگزین که در نظر تو فاضل‌ترین مردم باشد. اموری که بر وی عرضه می‌شود او را در تنگنا قرار ندهد (از ظرفیت بالای برخوردار باشد). رفتار طرفین دعوا او را به لجبازی و صدور حکم غیر قانونی وادار نکند رفتار قاضی مبتنی بر قانون باشد نه بر امیال شخصی. اگر حکم اشتباهی صادر کرد بر اشتباه خود اصرار نرزد. در مقابل تطمیع‌ها و تهدیدها مقاوم و خویشتن‌دار باشد (همان، نامه ۵۳، ۴۱۰). مردی نزد خلیفه دوم از امام علی (ع) اقامه دعوا کرد. خلیفه به امام گفت یا ابوالحسن بر خیز و دوشادوش مدعی بنشین امام نشست و هر دو ادله خود را ارائه کردند. سپس امام پس از اتمام جلسه خشمگین شد. خلیفه دلیل خشم امام (ع) را پرسید امام پاسخ داد. تو مرا نزد مدعی با کنیه خطاب کردی گفتم (یا ابوالحسن) در صورتی که حق این بود که مرا با نام صدا می‌زدی و امتیازی بین من و او قائل نمی‌شدی (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳؛ ۵۱۲).

۵- نتیجه‌گیری

طرح نظریه «حکمرانی خوب» و توجه روزافزون که در سالهای اخیر به مقولاتی از قبیل ماهیت حکومت و چگونگی رابطه حکومت و مردم، توجه شده است. پیامد سرخوردگی از مجموعه نظریات توسعه و تعدیل ساختاری بود. مجموعه از نظریات (مکتب فرنکفورت و نظریه کنش ارتباطی فرانکفورت و دموکراسی مشورتی، نظریه عدالت جان راولز) باعث شکل‌گیری این نظریه شد. برنامه توسعه سازمان ملل (undp) در گزارش خود، حکومت برای توسعه پایدار، ویژگی‌های زیر به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب اذعان می‌کند. ۱- مشارکت ۲- حاکمیت قانون ۳- شفافیت ۴- پاسخگویی ۵- رضایت عمومی ۶- برابری ۷- اثر بخشی و بهره‌وری ۸- دید استراتژیک. نظریه حکمرانی، که به لحاظ تبار شناسی باید در ذیل مکتب نهادگرایی جدید طبقه بندی می‌شود که تکیه اصلی آن بر نوع رابطه حکومت و مردم متمرکز است. مطالعه تطبیقی اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (ع) و ادبیات نظریه حکمرانی خوب، در شاخص‌های ذکر شده در بالا حاکی از شباهت عجیب این مقایسه است.

دولتی که اداره امور کشور را در دست دارد باید از پشتوانه انتخاب و اعتماد مردمی برخوردار باشد، دولت حق نظارت عمومی را به رسمیت بشناسد، فرآیند قانونگذاری و نیز عملکرد دولت از شفافیت قابل قبولی برخوردار باشد، اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران، خدمات عمومی مورد نیاز جامعه به صورت مطلوبی توسط دولت تامین شود، دستگاه قضائی از کارآمدی مطلوبی برخوردار بوده و بتواند زمینه‌های برقراری عدالت و انصاف را در جامعه فراهم و نهادینه سازد. بی طرف، کارآمدی و شفافیت در دستگاه قضایی و فرآیندها حکمفرما باشد و فساد جامعه کنترل شده باشد. بنابراین با توجه به فاصله زمانی ۱۴ قرن از حکمرانی امام علی (ع) تا مطرح شدن نظریه حکمرانی خوب توسط بانک جهانی، قرابت و نزدیکی عجیبی وجود دارد.

۶- منابع

منابع فارسی:

۱. امام علی (ع): *نهج البلاغه*، ۱۳۸۲، مترجم: محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمومنین، چاپ دوازدهم
۲. مبارک، اصغر؛ آذر پیوند، زیبا، ۱۳۸۸، نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۶
۳. کمیجانی، اکبر؛ سلاطین، پروانه، ۱۳۸۷، تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، *فصلنامه مدل سازی اقتصادی*، سال دوم، شماره دوم
۴. مطهری، مرتضی؛ ۱۳۶۱: *سیری در نهج البلاغه*، دفتر انتشارات قم
۵. فیرحی، داود؛ ۱۳۸۲، *نظام سیاسی دولت در اسلام*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها،
۶. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر؛ ۱۳۸۳، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول
۷. میدری، احمد؛ ۱۳۸۱، *سازگاری انواع حکمرانی شرکتی با اقتصاد ایران*، دانشکده اقتصاد تهران
۸. حیدر، محمد؛ ۱۳۸۰، نقش اقناع در قانونگرایی از نگاه امام علی (ع)، در *مجموعه حکومت و سیاست در دیدگاه امام علی (ع)*، انتشارات امام محمد باقر (ع).
۹. صوفی مجید پور، مسعود؛ ۱۳۸۳، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره

۱۰. صباغ کرمانی، مجید، باسزا، مهدی ۱۳۸۷، نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه ها: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی *اقتصاد*، شماره ۸۳
۱۱. دانش، موسی: ۱۳۷۹، سیاست و حکومت در نهج البلاغه، *مشکوه*، شماره ۶۸-۶۹
۱۲. امامزاده، سید احمد؛ صفری، فاطمه: ۱۳۸۸، امام علی و کارگزاران، *پژوهشهای نهج البلاغه*، شماره ۲۶-۲۵،
۱۳. مشتاقی، زینب: ۱۳۸۵، خصوصیات یک مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام، *توسعه و مدیریت*، شماره ۷۲
- منابع لاتین:

۱. abdellatif, a. (۲۰۰۳). good governance and its relationship to democracy and economic development. *global forum on fighting corruption and safegarding integrity*
۲. kiely, r. (۱۹۹۸). neo liberalism revised? a critical account of world bank of good governance and market friendly intervention. *capital and class* , ۲۲-۶۳.
۳. pillay, s. (۲۰۰۴). coraption the chaleng to good governance a south african perspactive. *the international journal of public sector manegment* (۱۷), ۵۸۶-۵۹۸.
۴. zanotti, l. (۲۰۰۵). govermentalizing the post cold war internationalregime; the un debate on democratization and good governance. *alternatives: global,local,political* (۳۰), ۴۶۱.

